

با بی‌فراوانی است و همسفر علی و ادعای است مشول بدان و مانده
 این نیزها جدا شدیم در بالای تنه‌ای مستقر شدیم، مشول بدان
 عملیات راهت کند، از قضا اینها که عراقی از آنجا فتواری
 می‌کنند که ما نیز به لطف خدا با آنرا درگیر شدیم و آنرا را به
 هدایت می‌رساندیم، چون متوجه نبودیم ما از نیزها که خوردگی
 ضایع جلوتر رفته بودیم این بود که حرکت کردیم در شب کشتی‌ها
 عراقی‌ها گرفتیم تا آن یک فمباره انداز عراقی در دست راست
 ما و جود داشت و چون در بین راه ما با بچه‌ها که آری می‌زدن
 و برنده بودیم، آنرا نیز همراه ما بردند برادر عیدکی راستی منضم
 کردن آن فمباره را در برادر کرم و الوندی کراخ فمباره انداز
 رفتند و من نیز برای زدن نیروی آن بابک آری می‌هم - ۷ (جانبه
 سوره والعصر و است که شد فمباره سقط کرد و شد در آن
 نیز فتواری کردند و ما به آنجا رفتیم و با فمباره موافق دهن را
 می‌گویند لب ساعت ۱۲ الی ۱ بود که برادر عیدکی و عبد العظیم
 برای پیدا کردن راه و نیزها که خوردگی جدا شدند و ما نیز

عتوقه بنورم که از نبره‌ها خوردگی خورده ایم، تقریباً شب سه روز
 سفر فندی بودیم، خدمه نزدیک صبح بودند برادر عید که به مادر استوار
 دارند برای رسیدن به نبره‌ها که خوردگی باید به جهت صبح خود ما حرکت
 کنیم مانند چون حذف آرزای استاده بودیم به جهت سفر فندی حرکت
 کردیم حدود یک ساعت بودیم که در فندی هستیم و صبح نهمین
 آن را فته کرده کردیم سرانجام برادر عید ۶ که گفتیم با هم
 اعلام کردیم که مادر فندی هستیم و ایشان به ما گفتند که به جهت حرکت
 حرکت کنید خدمه تا حرکت کردیم در رسم به نبره‌ها خوردگی صبح بود
 پس در کمن و منطقه در کمن ماندیم در یک غار که به رسم انما بود در رسم
 مقدار مان تا نوز بود در آنجا مجموع بودند در ساعت ۷ صبح بود که حرکت
 کردیم از نفل سندها که تا تک و نفوس عراق عبور کردیم و آرزای نبره که بودند
 و صورت این نبره‌ها که ما از این هستیم آمدیم در یک غار که بزرگ بود و
 تپه‌ها و دست راست تخته ن عراق در آنجا ماندیم و تپه‌ها و
 هزاراد استیم و همگی در نبره‌ها که ما از این هستیم آمدیم و عامی خوانندیم و
 قرآن قرائت می‌کردیم برادر کیم و الوندی برای شناسایی رفتند